

تاریخچه بررسی زبان تالشی*

شهناز محمدزاده

عضو هیأت علمی دانشگاه گیلان

اولین اطلاعات مربوط به زبان تالشی در جلد دهم «فرهنگ راهنمای دایره‌المعارف» استارچفسکی دیده می‌شود که در سال ۱۸۴۸م در سن پترزبورگ منتشر شد. در این کتاب آمده است: «لهجه تالشی یکی از شش لهجه اصلی زبان فارسی است که در تالش رایج است و شاید این سرزمین را بتوان مهد زبان تالشی نامید. به لحاظ شکل دستوری و لغوی، تالشی متفاوت از دیگر گویش‌های ایرانی است. از نظر دستوری، تالشی تنها در افزودن «او» و «اون» به زبان فارسی شباهت دارد و دیگر اجزای دستوری آن مستقل‌اند و منشأ پهلوی و یا زبانی دیگر ندارند. در تالشی تمام ضمائر شخصی بر اسم مقدم می‌شوند و اصلی‌اند».

در سال ۱۸۴۲ میلادی ایران‌شناس روسی، الکساندر خودزکو، کتابی به نام «Specimens of the popular poetry of Persia» در لندن منتشر کرد. در این اثر نمونه‌هایی از ترانه‌های مردم حاشیه دریای خزر به لهجه‌های مازندرانی، گیلکی و تالشی به الفبای فارسی آمده است. ترانه‌های مازندرانی و تالشی با تفسیر، و ترانه‌های گیلکی با لغت‌نامه همراه بود. تعداد ترانه (رباعی)های تالشی حدود پانزده دوبیتی بود که زبان آنها ترکیبی از زبان ادبی فارسی و لهجه تالشی بود. در بررسی‌های بعدی درباره دوبیتی‌های تالشی، هرگز به این ترکیب زبانی برخورد نکردیم. همین امر، روش جمع‌آوری متون توسط خودزکو را زیر سؤال می‌برد. متأسفانه این تحقیق ضعیف که به الفبای عربی-فارسی تهیه شده، بعدها مورد استفاده برزین، شرق‌شناس معروف روسی و استاد دانشگاه قازان قرار گرفت. این عالم

* این مقاله، ترجمه بخشی از کتاب «زبان تالشی» می‌آید که در سال ۱۹۵۳م در مسکو به چاپ رسیده است.

برجسته و ترک‌شناس معروف، پژوهش علمی خود را با تحقیقات در باره ایران آغاز کرد. در سال ۱۸۵۳م در قازان، کتاب او «Recherches sur les dialectes persans» منتشر شد که امروزه هم به عنوان اولین کتاب ایران‌شناسان روسی درباره لهجه‌های ایرانی شناخته می‌شود، ولی این کتاب در بخش زبان تالشی اهمیت خود را از دست داده است. ایران‌شناس آلمانی، گیگر، متون تالشی برزین را در کتاب خود با عنوان *درباره فیلولوژی ایرانی، در بخش لهجه‌های مردم حاشیه دریای خزر* استفاده کرد. این کتاب در سال‌های ۱۸۹۵ الی ۱۹۰۱م در استراسبورگ منتشر شد.^۱

کتاب برزین از دو بخش تشکیل شده است: شرح دستور تالشی و ترانه‌های تالشی، که در این بخش از کتاب خودزکو استفاده شده است. برزین اشاره‌ای به این که چگونه، کجا و از چه کسی زبان تالشی را آموخته است، نمی‌کند و ادعا دارد که این کتاب ثمره بررسی‌های شخصی او در زمینه لهجه‌های ایرانی است، ولی شرح دستور زبان تالشی عکس این ادعا را ثابت می‌کند. یک کلمه نادر تالشی در کتاب او به اندازه‌ای تحریف شده که دیگر قابل شناسایی نیست. کسی که حتی آشنایی مختصری با زبان تالشی داشته باشد، کلمات تالشی را در شکل‌هایی مغایر با اصلی‌ترین قواعد آواشناسی تالشی به کار نمی‌برد، اما در لغت‌نامه مکمل کتاب برزین این‌گونه کلمات بسیار پیدا می‌شوند.

مشخص نیست که این اطلاعات غلط را برزین از چه کسی به دست آورده است. تنها منبع ادبی کتاب او پانزده رباعی است که قبلاً در کتاب خودزکو آمده است. درباره آنها برزین می‌گوید: «در اینجا ترجمه‌های جدید ترانه‌های تالشی، گیلکی و مازندرانی را همراه با نقد به خوانندگان تقدیم می‌کنم. ترانه‌های تالشی را که در کتاب خودزکو آمده‌اند، از طریق آواشناسی بازسازی کردم».^۲ اما آواشناسی او همان عربی فارسی است که خودزکو هم آن را به کار برده است. در ادامه برزین می‌نویسد که در لغت‌نامه مکمل کتاب، تمام کلمات را با استفاده از کتاب‌های گملین^۳، ایخوالد^۴ و خودزکو جمع‌آوری

1-"Grundriss der iranischen Philologie", BD.1, Abt. 2 – W.Geiger. Die kaspischen Dialekte, p.344-380.

2-Bérézin. Recherches sur les dialectes persans, Kazan, 1853, p.1

۳- گملین طبیعی‌دان آلمانی در سال ۱۷۶۸ به دستور آکادمی علوم سن‌پترزبورگ به کشورهای حاشیه دریای خزر سفر کرد و کتاب او "Reise durch Russland zur Untersuchung der drei Naturreiche" در سال ۱۷۷۴-۱۷۷۰ در ۴ جلد در سن‌پترزبورگ منتشر شد.

۴- طبیعت‌شناس روسی (۱۷۹۵-۱۸۷۶). در کارهای او اطلاعات بسیاری درباره مردم‌شناسی و باستان‌شناسی روسیه است.

کرده است، در حالی که کتاب‌های ایخوالد و گملین از نظر زبان‌شناسی هیچ‌گونه ارزشی نداشته و کوچک‌ترین رابطه‌ای با ادبیات ایرانی ندارند.

حتی با در نظر گرفتن وضعیت علم ایران‌شناسی در زمان پرزین، روش او و استفاده از منابع ضعیف نمی‌تواند توجیه علمی داشته باشد. پرزین دستور زبان تالشی را حتی در بخش فعل نتوانست درست بررسی کند، با این حال او ادعا می‌کند که «در زبان تالشی قواعد دستوری به طور دقیق رعایت نمی‌شوند، معمولاً تمامی زمان‌های افعال وجه اخباری یعنی aoristos به جای ماضی preterite و زمان آینده به جای زمان حال استفاده می‌شوند»^۱. «فعل در زبان تالشی مشکل‌ترین بخش دستوری است»^۲. بیش‌ترین اشتباهات را پرزین در همین بخش مرتکب شده است. وی نتوانست حتی یکی از زمان‌های فعل‌ها را درست بررسی کند. در مواردی فعل اول‌شخص در یک زمان به کار می‌رود و دیگر صیغه‌های فعل در دیگر زمان‌ها. بعضی از افعال در شکل‌های کاملاً مغایر با سیستم آوایی و نحوی زبان تالشی به کار رفته‌اند. در دستور زبان تالشی پرزین، افعال تحریف شده‌اند. اثر دیگری درباره زبان تالشی که از کیفیت نسبتاً بالا برخوردار است، مقاله زبان‌شناس روسی به نام ریس است. او در سال ۱۸۵۵م، یعنی دو سال پس از کتاب پرزین، در کتاب سوم «یادداشت‌های اداره قفقاز، انجمن جغرافیای روسیه»، مقاله‌ای را با عنوان «درباره زندگی و زبان تالش‌ها» منتشر کرد. خود ریس به تالش سفر کرده بود و با توجه به مدت سه روزه اقامت او در لنکران و جنوب آستارا، تعداد ۲۵۰ اسم و صفت، ۷۰ فعل، ۴۰ جمله محاوره‌ای و یک سرود تالشی را که متشکل از چهار رباعی و یک بیت است، جمع‌آوری کرد. هم‌چنین قسمتی از دستور زبان تالشی در بخش‌های ضمیر، قید و عدد را تدوین کرد. ریس برای تکمیل و مقایسه نوشته‌های خود از نسخه‌های خطی‌ای که خانیکوف (۱۸۷۸-۱۸۲۲) شرق‌شناس روسی در اختیار او گذاشته بود، استفاده می‌کرد. در این نسخه‌های خطی، تعدادی کلمات، داستان‌ها و قصه‌های تالشی همراه با ترجمه فراهم آمده بود که همه آنها توسط یک روحانی لنکرانی به نام علی‌اکبر زاهد جمع‌آوری شده بودند. ریس بر اساس مشاهدات شخصی، و این نسخه‌های خطی توانست مقاله خود

۱- نک: پرزین، ۱۸۵۳: ص ۳۶.

۲- همان: ص ۴

را تکمیل کند. خوش‌بختانه وی با کتاب برزین آشنا نبود. درباره آن در قازان مطالبی شنیده بود، ولی در تفلیس، محل زندگی و کار ریس، این کتاب به فروش نرسیده بود. مقاله ریس جمعاً ۳۰ صفحه است (۹-۳۸) و دارای قسمت‌های اسم، ضمیر، فعل، صرف افعال (صورت صرفی فعل vindey (دیدن) در حالت مثبت و منفی)، قید، حرف اضافه و حرف ربط. مقاله ریس کوتاه است و فعل به طور سطحی بررسی شده است و اکثر زمان‌های افعال و صیغه‌ها اصلاً بررسی نشده‌اند. حتی، بعضی از افعال اشتباه آورده شده‌اند. زمان گذشته افعال متعدی برای او قابل درک نبوده است. اشتباهات دیگری هم دارد، ولی در مجموع کار ریس با در نظر گرفتن مدت کوتاه اقامتش در تالش مفید بوده است. در پیش‌گفتار، ریس اشاره می‌کند که لهجه تالشی یکی از لهجه‌های زبان‌های ایرانی و نزدیک‌ترین لهجه به زبان فارسی است. او می‌نویسد: «تالشی یک گویش محلی (patois) نیست. زبان تالشی به طور مستقل تکامل یافته و هم در دستور و هم در شکل کلمات اصیل خود شباهت زیادی به زبان‌های اروپایی، مخصوصاً به زبان‌های اسلاو دارد»^۱. او کلمات و جملات تالشی را به الفبای عربی می‌نوشت و به زبان روسی آوانویسی می‌کرد. برای آوانویسی صحیح، به بعضی از حروف روسی علامت‌های خاصی اضافه کرد و خصوصیات آوایی آنها را توضیح داد. در فرهنگ لغات، کلمات تالشی را به زبان فارسی و روسی ترجمه کرد. کلمات تالشی در کتاب ریس قابل شناسایی هستند و در اکثر موارد تفاوتی زیادی با حالت معاصر آنها ندارند و از نظر آوانویسی هم صحیح هستند. این خود نشان‌دهنده اطلاعات خوب ریس درباره زبان‌های ایرانی است. در بخش فعل، صرف‌نظر از اشتباهات متعدد و توضیحات بسیار سطحی، به طور صحیح به سیستم پایانه‌های صرفی و شکل مصدری اشاره کرده، نوشته است که زمان گذشته افعال فارسی و «تاتاری» (در قدیم زبان آذری را تاتاری می‌نامیدند) اشاره می‌کند. باید گفت که مقاله ریس با اشکالاتی که دارد، روی هم‌رفته مفید است.

لهجه‌های مردم حاشیه دریای خزر توسط ذرن، عضو آکادمی علوم روسیه، ایران‌شناس و افغان‌شناس معروف قرن ۱۹ نیز مورد بررسی قرار گرفت. ذرن به جمع‌آوری

۱- پ.ف. ریس «در باره تالش‌ها، زندگی و زبان آنها»، یادداشت‌های اداره قفقاز انجمن جغرافیای روسیه، کتاب ۳، سال ۱۸۵۵، ص ۷-۸.

متون مازندرانی، گیلکی و تاتی پرداخت. در گزارش آکادمی علوم^۱ و در کتاب او با عنوان «Beträge zur Kenntnis der iranischen Sprachen» به این بررسی اشاره شده است.^۲ از گزارش او چنین بر می آید که وی در ۶ اکتبر ۱۸۶۰م به لنکران سفر کرده و درباره ترجمه متن‌ها به زبان تالشی مذاکره نموده است. سپس در تفلیس به کمک فردی به نام ابراهیم‌بیک به بررسی زبان تالشی پرداخت؛ همان فردی که در نوشتن فرهنگ لغات روسی-تالشی نیز به او کمک کرد.

ژرن برای دومین بار (۲۷ آوریل سال ۱۸۶۱م) به لنکران سفر کرد. در نتیجه این سفر، داستان‌های شخصی به نام ملا اسد الله و اشعار ملا اسماعیل به زبان تالشی ترجمه شد. هم‌چنین به کمک ابراهیم‌بیک کتاب دستور زبان تالشی شکل گرفت. متأسفانه این کتاب ژرن منتشر نشد. نسخه خطی فرهنگ لغات تالشی در کتابخانه سن پترزبورگ به شماره ۹۳۲ (orientalia) نگهداری می‌شود. بعضی از قسمت‌های آن را گیگر استفاده کرد. علاوه بر این، ژرن در کتاب خود به نام «caspia»^۳ یک داستان کوتاه تالشی را چاپ کرد که این داستان ترجمه داستان فکاهی معروف فارسی است درباره دو زن که بر سر فرزند با هم بحث می‌کردند.

بدون شک ژرن سال‌ها قبل از سفر خود به تالش، درباره زبان تالشی تحقیق کرده بود. حتی در کتاب زبان افغانی خود که در سال ۱۸۴۵م منتشر شد، او الفبای زبان افغانی^۴ و کثرت مصوت‌های آن را با زبان تالشی مقایسه می‌کند.

در سال ۱۸۹۴م در شماره ۲۰ «مجموعه مقالاتی درباره سرزمین و مردم قفقاز» متن‌های دو قصه کوتاه: «سیب جادویی» و «ترسو» منتشر شد. این داستان‌ها توسط تیموربیک و بایرام علی‌بیک، معلم مدرسه‌ای در لنکران یادداشت شده بود و با توضیحات لوپاتینسکی و ترجمه سطری و ادبی تکمیل شده بود. ترجمه سطری آن دارای اشتباهات متعددی است که در ترجمه ادبی هم تکرار می‌شوند. در قصه اول که همراه با ترجمه سطری

1-Bericht über eine wissenschaftliche Reise in dem Kaukasus und südlichen Küstenländern des Kaspischen Meeres "Bull. De l' Acad.d. Sciences de St.-Pét.", 4, 1862, p.344-377

۲- در سال ۱۸۶۰ و ۱۸۶۶ به چاپ رسید.

3- Über die Einfälle der alten Russen in Tabaristan 7 serie, t.33, N1, 1875, p. 217-220.

4- Grammatiche Bemerkungen über das Puschtu oder die Sprache der Afghanen.

یک صفحه و نیم است، پانزده و در قصه دوم بیست و پنج اشتباه وجود دارد. از نه پانویس لوپاتینسکی، در هفت مورد اشتباهات فاحش وجود دارد. لوپاتینسکی از شرح دستور تالشی ریس استفاده کرده، ولی نه تنها آن را تصحیح نکرده، بلکه در بخش فعل باعث پیچیده‌تر شدن آن نیز شده است. در کتاب گیگر، درباره لهجه‌های مردم حاشیه دریای خزر، زبان تالشی همراه با زبان‌های مازندرانی، گیلکی، تاتی و سمنانی بررسی شده‌اند. گیگر، زبان‌شناس معروف آلمانی، متخصص زبان‌های هندواروپایی بود. بدلیل اطلاعات ضعیفش درباره زبان‌های زنده ایرانی، در طبقه‌بندی و قواعد آوایی آنها مرتکب اشتباهات فاحش شد. روش تحقیقی گیگر توسط ایران‌شناس و لهجه‌شناس آلمانی، خادانکا^۱ به‌درستی مورد نقد قرار گرفت. باید اشاره کرد که خود خادانکا، ادامه‌دهنده کار دانشمند آلمانی، مان، درباره لهجه‌های شمال غربی ایران بود. کار تحقیقی گیگر درباره لهجه‌های ایرانی مربوط به دوره‌ای است که شکل‌های زبان فارسی نوشتاری و محاوره‌ای را با لهجه‌های غیر ایرانی مقایسه می‌کردند و در زبان فارسی بین زبان نوشتاری و محاوره‌ای فرقی قایل نبودند و اغلب پدیده‌های صرفی و آوایی زبان فارسی محاوره‌ای را به لهجه‌های ایرانی نسبت می‌دادند و آنها را جزو مشخصات اصلی برای طبقه‌بندی و جدا کردن آنها از زبان فارسی نوشتاری می‌دانستند. در کتاب مان درباره لهجه‌های تاجیکی زبان فارسی به اصطلاح «لهجه‌های شمال غربی» در مقابل «لهجه‌های جنوب غربی» بر می‌خوریم^۲ که قبل از انتشار کار تحقیقی تدسکو^۳ درباره گویش‌شناسی متن‌های تورفانی بود که خود مشخصات این گروه و تغییرات آن در طول تاریخ را نمایان کرد. و گیگر در مطالعه و بررسی خود در زمینه زبان تالشی، همان‌گونه که خود نیز اشاره می‌کند، از منابع زیر استفاده کرده است^۴.

کتاب‌های ای. پرزین، آ. خودزکو، پ. ریس، چاپ بیستم «مجموعه مطالب مربوط به وصف مکان‌ها و قبایل قفقاز» و یادداشت‌های پ. هرن، شامل فرهنگ لغت و متن تالشی، که از دست‌نویس کتابخانه دانشگاه پترزبورگ فراهم آمده بود، چنان‌که قبلاً به آن اشاره کردیم.

1-Karl Hadank. Die Mundarten von Khunsar, Mahallat, Natänz, Näyin, Sämnän, Sivänd und Sö-Kohräd, KPF, Abt.3, Bd. (Nordwestiranisch), 1926,p.16, 30, 31

2- O.Mann. Die Tajik-Mundarten der Provinz Färs, KPF, Abt, 1,Berlin, 1909.

3- P. Tedesco.Dialectologie des westiranischen Turantexte. Le Monde Oriental. 17, 1921,p. 184-268

4- Die Kaspischen Dialekte, Litteratur, Talisch, p.345.

ما در مورد کیفیت مطالب تالشی در آثار ای. برزین و آ. خودزکو صحبت کرده‌ایم و به اندازه کافی و با جزئیات کامل ترجمه متن‌ها در «مجموعه» و حواشی لوپاتینسکی را توصیف کرده‌ایم. این مطلب مشخص است که گیگر نمی‌توانسته بررسی قابل‌قبولی از فونتیک و دستور زبان تالشی ارائه دهد؛ اما اگر او زحمت می‌کشید و با کتاب پ. ریس آشنا می‌شد می‌توانست تا حدی لغات زبان تالشی ارائه‌شده در اثر او را گسترش دهد و معرفی درستی از بسیاری از فرم‌های لغت ارائه دهد. ضمناً ما می‌توانیم به طور قطع تأیید کنیم که گیگر با کتاب پ. ریس کاملاً بیگانه بوده است، اگرچه از آن در منابع مورد استفاده خود یاد کرده است و این قطعاً بی‌عدالتی است. گیگر در هیچ‌کدام از زیرنویس‌های مقاله خود از کتاب ریس یاد نکرده است و کلمه‌ای از جملات او را نقل قول نکرده است. همه‌جا منبع اصلی کار او ای. برزین، و در مواقعی آ. خودزکو است، حتی در «مجموعه» تقریباً مآخذ را ذکر نکرده است. گیگر در پایان کتاب خود ترجمه‌ای از کتاب «caspia» دُرن را به زبان تالشی آورده است.

این ترجمه لطیفه‌ای است به زبان فارسی در مورد دو زن که به خاطر بچه با هم بگومگو می‌کنند. ضمناً این لطیفه به همه گویش‌های دیگر که به اصطلاح «گویش‌های حاشیه دریای خزر» نامیده می‌شوند، ترجمه شده‌اند. گیگر به این ترجمه، تفسیری نیز افزوده است. بر می‌گردیم به جزئیات کتاب گیگر. ما هیچ‌گونه سیستم واکه‌ای زبان تالشی، همچون دیگر گویش‌های حاشیه دریای خزر در آن پیدا نمی‌کنیم. او تنها یک نظر کلی در مورد نامشخص بودن و بی‌تفاوتی کیفی (farblosigkeit) مصوت‌های کوتاه و به‌ویژه در مورد نوسانات (schwankungen) مصوت‌های کوتاه در زبان تالشی را ارائه می‌دهد. به عقیده گیگر، مصوت‌های بلند همان مصوت‌های بلند اولیه زبان فارسی هستند. به دلایلی او شک دارد که آیا در زبان‌های حاشیه دریای خزر، و در پی آن در زبان تالشی مصوت‌های مجهول وجود دارد یا نه. به همین دلیل در رابطه با زبان تالشی کلمه SIV «سیب» را می‌آورد و این تأیید می‌کند که او نه تنها کتاب ریس را، جایی که به طور آشکار شکل sef در آن آمده، مطالعه نکرده، بلکه حتی داستان سیب جادویی «مجموعه» قفقازی را هم نخوانده است. در این داستان نیز شکل «سف» به کار رفته است. در مورد نظام همخوانی تالشی نیز گیگر هیچ‌گونه نظر کم‌وبیش مرتبلی ارائه نمی‌دهد.

به نسبت با زبان‌های مازندرانی، گیلکی، تاتی و سمنانی، مواد تالشی فوق‌العاده اندک است و چون از کتاب ای. پرزین اقتباس شده‌اند، تا حد زیادی نیز تحریف شده‌اند. گیگر ابتدا درباره نظام همخوانی همه این زبان‌ها در مجموع صحبت می‌کند، ضمن این‌که مشخص می‌کند آنها چطور بیان می‌شوند و ویژگی‌های منسوخ آنها و انعکاس همخوان‌های «هندی آلمانی» چگونه است. در مورفولوژی گیگر اشتباهات زیادی وجود دارد که بر شمردن و اصلاح آنها مستلزم تشریح دوباره کل نظام تصریفی زبان تالشی است.

اینها اطلاعات کاملاً غیر رضایت‌بخشی هستند که یک ایرانی می‌تواند در مورد زبان تالشی از مقاله گیگر که در کتاب «Grundriss der iranischen Philologie» چاپ شده است، به دست بیاورد. به طور قطع می‌توان ثابت کرد که آنها هیچ‌گونه ارزش علمی ندارند. برای کامل کردن تحقیق و بررسی خود، چند کلمه هم در خصوص کتاب دیگری که در برگیرنده اطلاعاتی درباره زبان تالشی است، صحبت می‌کنیم. البته، این بار نه به زبان آلمانی بلکه به زبان فرانسوی.

همزمان با کتاب گیگر، جلد پنجم آثار گروه باستان‌شناسی اعزامی به ایران در پاریس چاپ شد. گرد آورنده این کتاب مهندس مرگان، سرپرست این هیئت بود.^۱ این جلد به تحقیقات زبان‌شناسی زبان کردی و لهجه‌های شمال غربی ایران اختصاص دارد. مؤلف در مقدمه کتاب خود آورده است: مطالبی را که در زمینه لهجه‌های ایرانی جمع‌آوری شده، چاپ می‌کند.^۲ این مطالب به هنگام اولین سفر او به ایران در سالهای ۱۸۹۱-۱۸۸۹م، زمانی که وی به شمال غرب ایران و استان‌های اطراف دریای خزر و دیگر جاها سفر کرده بود، جمع‌آوری شده بودند (ضمناً او به منطقه تالش روسیه هم سر زده بود) و ابراز امیدواری کرده است که هرچند کار او آخرین و عمیق‌ترین کار علمی درباره لهجه‌های ایرانی‌ای که به آنها پرداخته، محسوب نمی‌شود؛ اما احتمالاً برای شرق‌شناسان مفید خواهد بود. ایران‌شناس معروف فرانسوی، خیوار (Clément Huart) دنباله کار مرگان را پی می‌گیرد. او در مقدمه این جلد، خدمات مرگان را در زمینه مطالعه زبان کردی

1- J.D. Mogan Mission scientifique en Perse, t.5 - Etudes linguistiques, Paris, 1904.

۲- «هم از لهجه افراد خیلی روشن‌فکر و هم از لهجه بربرهای واقعی (véritables sauvages)». این شخص بورژوا مردمان ساده ایران را اینگونه معرفی می‌کند (J. de Morgan) همان جا، پیش‌گفتار، ص ۱۷.

آن چنان که خودش گفته است «این شاخه وحشی از زبان‌های هندواروپایی»^۱ بیان می‌کند. البته، درباره اهمیت کار تحقیقی مُرگان برای ایران‌شناسان شکی وجود ندارد. کتاب مُرگان از دو بخش تشکیل شده است: اولین بخش شامل توصیف دستوری ۱۱ لهجه کردی است که ما در میان آنها حتی موضوعاتی چون «درباره اسامی کردی و خاستگاه آنها» یا «تاریخ اصواتی که در لهجه‌های کردی به کار می‌روند» پیدا می‌کنیم که نه تنها برای ایران‌شناسان، بلکه حتی برای زبان‌شناسان در کل جالب است. در بخش دوم، خواننده مطالبی به‌ویژه فهرستی از کلمات را به چند لهجه دیگر ایرانی یا حتی غیر ایرانی با نام‌های گاه غیر معروف در ایران‌شناسی^۲ پیدا می‌کند.

صفحات ۲۶۱-۲۸۸ این کتاب به زبان تالشی اختصاص دارد. در این صفحات فهرستی از کلمات (در کل ۷۶۹ کلمه) بر اساس دو گویش لنکرانی و کرگانرودی، ۲۰ عبارت کوتاه (باز هم بر اساس همان دو گویش) با ترجمه فرانسوی، چندین صورت صرفی کوتاه و صرف چهار فعل آمده است. در بخش پایانی طی پنج صفحه متنی با حروف عربی فارسی بدون هیچ‌گونه ترجمه‌ای با عنوان «داستان‌هایی به گویش لنکرانی» آمده است. آوانویسی مُرگان فرانسوی است، اما با ویژگی‌های عجیب خود. کتاب «زبان‌شناسی» مُرگان طبعاً با نظر قهرآلود ایران‌شناسان روبرو شد.^۳ در این جا تنها به واکنش امان در کار پژوهشی او بر گویش کردی موکری اشاره می‌کنیم.^۴ او توصیف زبان‌شناختی فرم‌های کلمات مُرگان را «سخنان بی‌معنی (unsinn) و نظرات او (راجع به لهجه موکری)» را هم جعلی و باور نکردنی می‌نامد. چنان که می‌گوید: «با تکذیب جدی آرای جاهلانۀ مُرگان باید از مورد

همان ص VII, "remeaus sauvage des langues indo-européennes" 1-

۲- لیست کامل آنها این چنین است:

Dialectes mazandarani et ghilékis (199-261), talyches (261-188), dary, khodjavendi, bengédi, djougi, goudari (288-308); dialecte turkoman de l'Azbeq (308-312), dialekte israélite de Sihneh (312-322).

۳- نک: مینورسکی، مردمان حقیقت، مسکو، ۱۹۱۱، ص ۹۸.

E.B. Soane Journal of the Royal Asiatic Society, 1912, p.893; O.Mann. Mitteilungen des Seminars der orientalischen Sprachen, 1899, Bd.2, Abt.2, p. 256-274;

Kurdisch -persische Forschungen, Bd. 3, Abt. 4, Teil 1- Mukri, p. 22 -25

4- O. Mann. Kurdisch-persische Forschungen, Teil I – Mukri, Einleitung, p. 24.

تمسخر واقع شدن اجتناب کرد^۱. «هرکسی که کتاب «Etudes linguistiques» او را می‌خواند چندین ساعت شادی انعام می‌گیرد»^۲. در خاتمه می‌گوید: «ضمناً نباید از یک مهندس انتظار داشت دانش زبان‌شناسی داشته باشد»^۳.

تعدادی از کتاب‌های متعلق به مؤلف این کار تحقیقاتی در زمینه زبان تالشی به زبان روسی منتشر شده است. او در سفر به تالش به هنگام دانش‌جویی از مطالب جمع‌آوری شده برای انجام سخن‌رانی درباره ساختار دستوری زبان تالشی که در کمیسیون شرق انجمن باستان‌شناسی مسکو ایراد شد، استفاده کرد و خلاصه سخن‌رانی در پروتکل‌های جلسات این کمیسیون چاپ شد^۴. این کتاب در حال حاضر منسوخ شده است.

مؤلف باز برای از سرگیری مطالعه زبان تالشی در سال ۱۹۲۵م به تالش رفت و به جمع‌آوری مطالب و مطالعه زبان ساکنان منطقه پرداخت. نتیجه این سفر گزارشی بود که از سوی او به انجمن تحقیقات و مطالعات آذربایجان ارائه شد^۵. مؤلف پس از این‌که بعدها مطالب جمع‌آوری شده را تجزیه و تحلیل کرد، «متن‌های تالشی» را به چاپ رساند^۶. این متن‌ها به همراه ترجمه روسی و فرهنگ لغت تالشی - روسی - فرانسوی بودند و در مقدمه مقاله سیستم آوایی تالشی گنجانده شده بودند. مطالب دستوری و لغوی تالشی نیز بعدها در مقاله‌ای که به مسأله مربوط به زبان «آذری» در طرح تطبیقی شکل‌های تالشی و کلمات نادر موجود در زمان ما اختصاص داشت، استفاده شد^۷. هم‌چنین مقاله‌ای در مورد زبان تالشی توسط مؤلف برای دایره‌المعارف بزرگ ارائه شد. در هنگام نگارش پژوهش دستوری زبان تالشی، خلاصه رساله علمی او در زمینه مورفولوژی در سال ۱۹۴۵م در «رساله‌های علمی - پژوهشی» به چاپ رسید (حوزه ادبیات و زبان آکادمی

۱- همان: ص ۲۵

۲- همان: ص

۳- همان: ص ۲۴

۴- نک: «آثار کمیسیون شرق» پروتکل شماره ۸۱، جلد ۲، چاپ ۳.

۵- چاپ شده در اخبار این انجمن، شماره ۱، باکو، ۱۹۲۵.

۶- انتشارات پژوهشگاه علمی - تحقیقاتی فرهنگ ملی و مردم‌شناسی ملت‌های شرق اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی، مسکو، ۱۹۳۰.

۷- بررسی زبان خلق آذربایجان قبل از ترک شدن منطقه، پژوهشگاه علمی - تحقیقاتی فرهنگ ملی و مردم‌شناسی ملل شرق شوروی، مسکو، جلد ۱.

علوم اتحاد جماهیر شوروی). در سال ۱۹۴۸م در مجموعه پژوهشگاه زبان و تفکر آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی و زبان تفکر (جلد یازدهم) مقاله «درباره پیوند I اسامی در زبان تالشی» از سوی مؤلف به چاپ رسید.

از سال ۱۹۴۷ میلادی س. ساکالوا وارد عرصه مطالعه زبان تالشی شد. او متخصص زبان‌های ایرانی بدون نوشتار بود و با سفر به لنکران و ثبت و ضبط متن‌های تالشی، به مطالعه این زبان پرداخت و بعدها نتایج پژوهشی خود را در زمینه فونتیک زبان تالشی به چاپ رساند.^۱

۱- اطلاعات جدید در زمینه فونتیک زبان‌های ایرانی (اطلاع اولیه)، مجموعه «زبان‌های ایرانی»، ۱۹۵۰، جلد دوم، ص ۵-۲۸.